

بررسی و تحلیل ابعاد سیاسی - اجتماعی جنبش شیعی علویان طبرستان بر پایه نظریه کنش جمعی چارلز تیلی (۲۴۳-۳۰۸ق)

فاطمه روحی پرکوهی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی / f.roohi.56@gmail.com
مهرناز بهروز / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی / dr.mehrnazbehroozi@gmail.com
محمد سپهری / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی / sepehran55@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

چکیده

برپایی حکومت علویان، مهم‌ترین رویداد سیاسی بود که پس از ورود اسلام به ایران در طبرستان شکل گرفت. کاربست نظریه «کنش جمعی» از چارلز تیلی که به انقلاب‌ها و حرکت‌های اجتماعی می‌پردازد، در ارائه خوانشی جدید از این جنبش تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی، جنبش علویان با رویکرد به آراء تیلی بررسی شده است. سؤال اصلی مقاله این است که کاربست نظریه یادشده، چه ابعدی از این جنبش را نمایان می‌کند؟ به نظر می‌رسد علویان از راه‌اندازی این جنبش، تحقق سه هدف را در نظر داشتند: ۱. حفظ بقا؛ ۲. رسیدن به قدرت سیاسی؛ ۳. گسترش مبانی تشیع. بر این اساس، پس از رسیدن به قدرت، با عنایت به هویت دینی مشترک با مردم و حاکمان بومی، سازمانی با شاکله نظامی و دینی ایجاد گردید. بسیج منافع توسط رهبران علوی به صورت تهاجمی و تدارکاتی بوده و ماهیتی اجبارآمیز و هنجاری داشته است. عنصر قدرت در این جنبش، دو سویه تقابلی (خلافت سنی / حکومت شیعی) دارد. مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌آمده برای رهبران جنبش، عبارت است از: ایجاد هویت دینی مشترک، بهره‌جویی از توان نظامی حاکمان محلی و استفاده از ظرفیت‌های توده. سامانیان و کینخواریان، مهم‌ترین عوامل تهدید علویان بودند که سیاست سرکوب را پیش گرفتند. نوع کنش جمعی علویان، رقابتی و نوحواهی بوده و بر مبنای تقابل دوگانه خودی - بیگانه شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: علویان، تشیع، طبرستان، خلافت عباسی، چارلز تیلی، کنش جمعی.

مقدمه

علویان، از مخالفان عقیدتی - سیاسی خلافت اموی و عباسی بودند که همواره تحت تعقیب و آزار آن‌ها قرار داشتند. از این رو، به طبرستان روی آوردند که یکی از مناطق صعب‌العبور با کوه‌های مرتفع و جنگل‌های انبوه بود و ساکنین این ناحیه شدند. آنان با گذر زمان، افکار و عقاید خود را تبلیغ کردند و گسترش دادند و بسیاری از مردم طبرستان به آن‌ها پیوستند. آنان به این دیار در زمان خلفای اموی بارها هجوم آوردند، اما مقاومت مردم و حاکمان محلی، مانع تحقق اهداف آن‌ها می‌شد. از طرف دیگر، در زمان خلافت عباسی، هنگامی که آل‌بویه به طور کامل از میان برداشته شد و خلیفه طاهریان را بر طبرستان مسلط ساخت، روند نفوذ در این سرزمین آغاز گردید و طبرستان نیز یکی از ولایات خلافت عباسی شناخته شد. با این حال، ستم حاکمان طاهری که نماینده خلیفه عباسی در این سرزمین بودند، مردم این دیار را نسبت به خلافت مرکزی بدبین کرده بود. علویان که پس از گذشت چند دهه از حضور خود، جایگاه اجتماعی - معنوی ویژه‌ای در میان طبری‌ها به دست آورده بودند، به واسطه حمایت‌های عوام معترض و نیز حاکمان محلی به ستوه آمده از جفاکاری طاهریان، بر رقیبان سیاسی خود چیره شدند و جنبشی اعتراضی را به راه انداختند که در سال ۲۵۰ قمری به ثمر نشست و نخستین حکومت شیعی در ایران تأسیس گردید.

تاریخ‌های معتبر، حضور یحیی بن عبدالله (۱۷۶ق) را نخستین نشانه کنش‌های سادات علوی در طبرستان می‌دانند. او که در برابر خلیفه وقت قیام کرده بود، پس از درهم‌شکستن صاحب فخر (۱۶۹ق)، به سوی شرق قلمرو خلافت حرکت کرد و وارد طبرستان شد، اما استقبالی از او نشد. در نتیجه، به دیلمان رفت. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۶۸-۶۹) در مرحله بعد، پس از شهادت امام رضا علیه السلام، دیلم به سرزمینی امن برای کسانی بدل گردید که از سپاهیان مأمون می‌گریختند. حضور هواداران امام در طبرستان در سال ۲۰۳ قمری بوده است. (آملی، ۱۳۴۸، ص ۸۴) این روند به تدریج ادامه یافت تا این‌که در سال ۲۵۰ قمری با

حرکت انقلابی حسن بن زید، این دودمان به عنوان یک سلسله در طبرستان بر سر کار آمدند و تا سال ۳۱۶ قمری و پیش از قتل حسن بن قاسم به حیات سیاسی خود ادامه دادند. اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی حکومت نوپای علوی با خلافت اسلامی در بغداد، باعث شده بود تا همواره خلیفه و کارگزاران او این حکومت را تهدید کنند. با این حال، به واسطه وحدت دینی و مذهبی به وجود آمده در طبرستان، حاکمان علوی توانستند دهه‌های متمادی در این دیار حکومت کنند و حکومت مرکزی را به چالش وادارند و خسارات معنوی، جانی و مالی بسیاری بر پیکره آن وارد آورند.

جنبش‌های اعتراضی دارای پیشینه، علل و پیامدهایی هستند و در سطوح مختلف، نمود دارند. در دوران معاصر، نظریه‌های مختلفی برای بازکاوی و تحلیل چرایی روی دادن یک جنبش ابراز شده است. در این بین، چارلز تیلی (Charles Tilly) با نظریه «کنش جمعی»، ابعاد تازه‌ای از این جنبش‌ها را در دو سطح کلی و جزئی سنجیده است. این نظریه به تشریح اوضاعی می‌پردازد که از آن با عنوان «وضع انقلابی» یاد می‌شود. منظور از این اوضاع، روند دولت‌سازی، پیدایی گروه‌های مدعی و چالش‌گر، منابع قابل دسترس طرفین و در نهایت، کنش جمعی منجر به انقلاب است. گروه‌های چالش‌گر که در برابر روند دولت‌سازی گروه رقیب معترض هستند و آن را خلاف منافع خود تشخیص می‌دهند، با ایجاد هویت مشترک در میان اعضای گروه، اقدامات عملی را برای برهم‌زدن ساختار سیاسی گروه غالب و راه‌اندازی سامانه‌ای مطلوب و جدید آغاز می‌کنند؛ بنابراین، پیدایی جنبش‌های اعتراضی که در پی ایجاد انقلاب هستند، مبین وجود قدرت مطلقه سیاسی در بازه زمانی خاص است که در این تحقیق، خلافت عباسی و کارگزاران آن (ظاهریان، صفاریان و سامانیان) را شامل می‌شود.

حرکت تحول‌خواه علویان طبرستان در جهت از بین بردن مبانی این قدرت مطلقه و ایجاد نظم نوین سیاسی در منطقه یادشده (در مرحله نخست) و سایر ولایات ایران (در سطح ثانویه) در آن زمان بوده است. نکته‌ای که درباره جنبش علویان اهمیت دارد این است که

اعضای این گروه، نه تنها خواهان ایجاد تحولات بنیادی در سطح سیاسی بودند، بلکه تحقق دگرگونی‌های اعتقادی و ایدئولوژیک را هم دنبال می‌کردند که این ویژگی منحصر به فرد، بر نگرانی‌های حکومت مرکزی و حساسیت آن‌ها در برابر تحركات علویان در طبرستان و سرزمین‌های اطراف و نحوهٔ مقابله با این جنبش می‌افزود.

با توجه به ماهیت حرکت اعتراضی علویان در طبرستان که بر تغییر ساختار سیاسی - اجتماعی مبتنی بود، نمی‌توان آن را نوعی کودتا و شورش علیه حکومت وقت تلقی کرد؛ زیرا این جنبش با هدف دگرگونی کامل ساختار سیاسی و با هم‌کاری عامهٔ مردم و نخبگان سیاسی و نظامی انجام گرفت. بنابه تعریف تیلی از انقلاب که می‌گوید: «ما به انقلاب به شکل تفویض قدرت با توسل به قوهٔ قهریه در چارچوب یک حکومت می‌نگریم که در جریان آن، جناح مشخص ادعاهای حذف‌کننده نسبت به یک‌دیگر برای کسب قدرت دارند، در حالی که بخش عمده‌ای از اتباع کشور از مطالبات یکی از این دو جناح به حمایت برمی‌خیزد» (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۳۴)، خیزش علویان را باید نوعی انقلاب به حساب آورد، نه کودتا و شورش.

در این پژوهش ابتدا با رویکردی اجمالی، چارچوب و مفاهیم نظری کنش جمعی شامل مواردی چون: منافع، سازمان، بسیج منابع، کنش جمعی، فرصت / تهدید، سرکوب / تسهیل و قدرت بررسی می‌گردد و در ادامه، ماهیت جنبش علویان طبرستان بر اساس مبانی نظریهٔ تیلی و آکاوی می‌شود. دلیل به‌کارگیری این نظریه برای تحلیل قیام علویان، این بوده که دامنهٔ بحث تیلی به قدری گسترده است که هر نقطه از جهان و هر بخش از تاریخ را فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی دربرمی‌گیرد. افزون بر این، بنیاد حکومت علویان طبرستان بر مجموعه‌ای از تشکیلات سازمان‌یافته و شبکه‌هایی از گروه‌های متعدد اجتماعی استوار بوده است که با استفاده از آراء تیلی، می‌توان به شناخت و درک بهتری از ابعاد متنوع قیام علویان دست یافت. پرسش‌های محوری در این تحقیق عبارتند از:

۱. ریشه‌های اجتماعی - سیاسی کنش جمعی علویان طبرستان چه بوده است؟
۲. چه عوامل اجتماعی موجب اعتراض و شورش این گروه شده است؟
۳. انگیزه‌ها و عوامل در دسترس برای چالش‌گران چه بوده است؟
۴. چالش‌گران از حضور در کنش جمعی، چه اهدافی را دنبال می‌کردند و این کنش چه نتایجی داشته است؟

پیشینه تحقیق

تحقیقات متنوعی درباره جنبش علویان انجام شده است. مجد (۱۳۸۶) در کتاب خود، ضمن اشاره به ظهور و سقوط علویان طبرستان، به مسائلی چون: چگونگی ورود علویان به ایران و نفوذ آنان در آن سوی البرز و در میان مردم بومی و چگونگی استقرار حکومتی مستقل در طبرستان و علل دچار شدن این حکومت به فترت پرداخته است. یوسفی (۱۳۸۷) در مقاله خود، به سیر تحول دین و مذهب در مازندران پرداخته و به این نتیجه رسیده که اسلام آوردن مردم این دیار، به واسطه تلاش‌های داعیان علوی زیدی بوده است. هم‌چنین علل گرایش مردم به اسلام، نارضایتی آنان از حکومت‌های محلی و نیز مسلمان شدن حکام کوچک محلی بوده است. بهنیاfer (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به نقش اوضاع داخلی ایران در شکل‌گیری حکومت علویان طبرستان پرداخته است. از دید او، علویان با اقدامات فرهنگی به ویژه تأسیس مساجد و مدارس علمیه در نقاط مختلف این دیار، نقش مهمی در تحولات فرهنگی آن ایفا نمودند. رضوی و آذر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، به عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان اشاره کرده‌اند. از نظر نویسندگان، این عوامل عبارتند از: دریافت مشروعیت سیاسی از طریق انتساب به پیامبر اسلام ﷺ، و جاهت مردمی، عدالت‌طلبی، و تکیه بر مبانی مذهب شیعه. شورمیچ و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، به نقش و عملکرد ناصرکبیر در نشر اندیشه شیعی در طبرستان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در اوایل قرن چهارم قمری، با شکل‌گیری مکتب ناصریه، شهرهای آمل و هوسم، از مراکز اصلی

ترویج فرهنگ شیعی در طبرستان بودند. هم‌چنین ناصر کبیر با راه‌اندازی مدارس، کتابخانه‌ها، محافل بحث و مناظره و تدریس علوم دینی، فرهنگ شیعی را گسترش داد. شورمیچ و رضایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، به چگونگی استقرار و تثبیت تشیع امامی در طبرستان از قرن سوم تا هشتم قمری پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد عواملی چون: اقامت برخی از پیروان امامان در طبرستان، فعالیت تبلیغی سادات علوی و حضور علمای دینی و بزرگان شیعه امامی و حمایت حاکمان آل‌باوند، مرعشی و برخی ملوک پادوسبانی از تشیع امامی، سبب تثبیت این مذهب در اوایل قرن نهم قمری در مازندران شده است.

اگرچه تحقیقات یادشده، به وجوه مختلف جنبش علویان و زمام‌داری حاکمان آن پرداخته‌اند، این قیام بر اساس نظریه خاصی واکاوی نشده است. از این رو، مقاله پیش رو برای نخستین بار به این خلأ پژوهشی می‌پردازد. کاربست نظریه کنش جمعی تیلی برای واکاوی جنبش علویان، ضمن آن‌که مانع تشتت آرا و اعمال نظریات شخصی می‌شود، به دستاوردهای تحقیق انسجام و اعتبار می‌بخشد و آن را قابل استناد می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

رویکرد کلی تیلی در نظریه بسیج منافع، سیاسی - اجتماعی است. از این رو، می‌توان با نظرداشت موضوعات برآمده از جامعه و سیاست، به جنبش علویان طبرستان (به عنوان نمودی از انقلاب‌های سنتی) توجه کرد. این فراگیری می‌تواند در ارائه نظری متقن از یک پدیده، اثرگذار باشد. از دید تیلی، پدیده‌هایی مانند شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی و حتی بسیاری از کودتاها، انواع گوناگونی از کنش جمعی هستند که با دگرگونی یا جلوگیری از تغییری در جامعه روی می‌دهند. مدلی که تیلی به آن باور دارد، از دو مفهوم اصلی یعنی «جامعه سیاسی» و «بسیج» تشکیل شده است. هر کدام از این مفاهیم انتزاعی دارای زیرمجموعه‌هایی مشخص هستند. الگوی جامعه سیاسی شامل این موارد است:

۱. جمعیت؛

۲. گروه(های) مدعی (عضو و چالش‌گر)؛

۳. حوزه سیاسی و حکومت؛

۴. ائتلاف میان نیروهای مختلف. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۸۱-۸۳)

الگوی بسیج منافع (Mobilize resources) از دو بخش کلی تشکیل می‌شود:

- الف) شامل سه متغیر است: ۱. منافع؛ ۲. سازمان؛ ۳. بسیج منابع. تیلی این موارد را عناصر درون‌گروهی می‌داند که تأثیر محسوسی بر جنبش‌ها و انقلاب‌ها ندارند.
- ب) شامل شش متغیر است: ۱. کنش جمعی؛ ۲. فرصت/ تهدید؛ ۳. سرکوب/ تسهیل؛ ۴. قدرت. تیلی از این موارد با عنوان عناصر برون‌گروهی یاد می‌کند که در شکل‌گیری و به ثمر نشستن انقلاب‌ها و جنبش‌ها تأثیری چشم‌گیر دارند. (همان، ص ۹۲)

بحث اصلی

تیلی باور دارد که در جنبش‌ها و انقلاب‌ها، جامعه بدیل سیاسی جانشین نظام سیاسی کنونی می‌شود. بر این اساس، علویان طبرستان به عنوان گروه مدعی و چالش‌گر، ضمن مقاومت در برابر حکومت وقت (خلافت عباسی و کارگزاران آن)، نظامی جدید و متفاوت تأسیس کردند؛ در نتیجه، جامعه سیاسی شکل‌گرفته توسط این گروه به لحاظ ساختار سیاسی و ایدئولوژیک، هیچ قرابتی با جامعه سیاسی پیشین نداشته است. در ادامه، ابتدا عناصر درون‌گروهی جنبش علویان ذیل سه عنوان «منافع، سازمان و بسیج منابع» بررسی می‌گردد. سپس عناصر برون‌گروهی این جنبش با رویکرد به مؤلفه‌های «قدرت، سرکوب/ تسهیل فرصت/ تهدید و کنش جمعی» کاویده می‌شود. هر کدام از عناصر یادشده، با کنش جمعی علویان طبرستان قابل قیاس است و ابعاد گوناگون این حرکت انقلابی را بر اساس نظریه کنش جمعی تیلی می‌توان شرح داد.

۱. عناصر درون‌گروهی جنبش علویان

الف) منافع

منظور از منافع، امتیازها یا هزینه‌هایی است که در برآیند تعامل با نظام سیاسی یا دیگر گروه‌های رقیب، متوجه اعضای یک گروه می‌شود. (تیلی، ۱۹۸۴م، ص ۸۳) از دید تیلی، دو راه برای پی بردن به منافع گروه‌های مختلف، وجود دارد: نخست، اظهارات و کنش‌های اعضای گروه؛ دوم، تحلیل کلی از روابط میان منافع و موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۹۲)

بررسی منافع علویان با عنایت به موقعیت اجتماعی آن‌ها، نشان می‌دهد که پس از شهادت امام رضا علیه السلام، علویان برای گریز از مأموران خلافت عباسی، به سمت طبرستان حرکت کردند و به این دیار پناهنده شدند. (آملی، ۱۳۴۸، ص ۸۴) به خطر افتادن موقعیت اجتماعی - سیاسی هواداران امام در دربار خلیفه، زمینه‌ساز حضور آنان در طبرستان و اقدام برای تأسیس حکومتی علوی و شیعی شده است؛ بنابراین، منفعت علویان از حضور در طبرستان در بدو امر، نجات جان خودشان بوده است. این خیزش در ابتدا از سه گروه عمده (سادات علوی، مردم بومی و حاکمان محلی) تشکیل شده بود. این سه گروه، با نگرشی اعتراضی و خیزشی انقلابی، علیه بهره‌کشی نظام فتوئدالی خلافت عباسی به پا خاستند؛ بنابراین، منافع علویان در بدو امر، حفظ بقا بوده است، اما سایر کنش‌گران این قیام یعنی مردم بومی و حاکمان محلی، غیر از این هدف، خواستار رهایی از ظلم و بهره‌کشی‌های مالی و اقتصادی کارگزاران عباسی در حق خود بودند؛ بنابراین، با عنایت به این‌که ستم‌پیشگی گروه رقیب جنبه‌ای ساختاری یافته بود، گروه چالش‌گر خواهان از بین رفتن این ساختار و درهم‌شکستن آن بوده‌اند.

با قدرت گرفتن شیعیان علوی در طبرستان و افزایش شمار پیروان آنان در سال ۲۵۰ قمری، حاکمان عرب سنی رقیبی سرسخت در برابر آنان بودند. در نتیجه، علویان با حاکمان محلی طبرستان وارد مذاکره شدند و برای هم‌صدایی و اتحاد علیه دشمن مشترک به توافق رسیدند. ابن‌اسفندیار بیان می‌دارد که حاکمان محلی با گرایش‌های شیعی خود، یاری‌رسان

سادات بودند. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۰) بنابراین، با شکل‌گیری این ائتلاف سیاسی، قدرت حاکم که نماینده خلیفه عباسی در طبرستان بود، به چالش کشیده شد. تبلیغات گسترده علویان در طول دهه‌ها که بر اجرای عدالت تأکید فراوان داشتند، موجب تقویت جایگاه اجتماعی آنان گردید و مرتبه معنوی آنان را میان عوام و نخبگان سیاسی طبرستان تقویت نمود؛ بنابراین، افزون بر باورهای ایدئولوژیک مشترک که در حال شکل‌گیری بود، منافع مشترک اعضای گروه چالش‌گر (نابودی کارگزاران عباسی)، آن‌ها را به هم نزدیک می‌کرد؛ به طوری که به طرحی ذهنی در احراز و حفظ منافع گروهی خود در مقابل تعدی‌های حاکمان سنی عرب رسیدند.

اعتراض‌های پی در پی مردمی در طبرستان و نیز عدم صلح قطعی حاکمان محلی با طاهریان، صفاریان و سامانیان، از یک سو بیان‌گر میزان ظلم کارگزاران خلیفه بود و از سوی دیگر، بیان‌گر رفتار مردم در تشخیص منافع خود در کوتاه‌مدت بود. تأکید سادات علوی بر مفهوم کلیدی «عدالت» در آموزه‌های خود، نشان‌دهنده بی‌کفایتی گروه غالب در برقراری آن در طبرستان است.

در دوره ۱۱۵ ساله حکومت سنی‌مذهب کینخواری در طبرستان (۶۳۵-۷۵۰ ق)، اهل تسنن فرصت‌های بیشتری برای رشد یافتند و از نفوذ شیعیان در دوره باوندیان کاسته شد. پس از فروپاشی دودمان کینخواری، شیعیان که فرصت را مناسب می‌دیدند، برای تأمین منافع خود دست به کار شدند و سیدقوام‌الدین مرعشی، با حرکتی انقلابی و تحول‌خواه، سلسله مرعشیان را تأسیس کرد. او این کار را با براندازی حکومت کیاافراسیاب چلاوی در سال ۷۶۰ قمری انجام داد. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۸-۱۷۹) قوام‌الدین حکومت خود را بر اساس تعالیم شیعه امامی و مهدویت پایه‌ریزی کرد تا اهداف اصلی خود (حمایت از تهی‌دستان و امر به معروف و نهی از منکر) را تحقق بخشد. (همان، ص ۱۸۳) بنابراین، وی برای تأمین دو منفعت اصلی، قدرت را در دست گرفته بود:

۱. بسط موازین شیعی؛

۲. احقاق حقوق تزییع‌شده رعایا.

ب) سازمان

از دید چارلز تیلی، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش افراد در درون یک جمعیت، به تشکیل سازمان می‌انجامد و قدرت آن، به میزان آگاهی، تعهد و وفاداری اعضای آن نسبت به منافع جمعی، وجود زنجیره‌های پیونددهنده میان اعضا و گستردگی و کیفیت سازمان، بستگی دارد. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۸۳) برای به وجود آمدن سازمان فعال سیاسی، باید اعضای سازمان یا بخشی از آن‌ها، نسبت به منافع سازمان آگاه شوند و این آگاهی، شبکه‌ای از روابط را به وجود می‌آورد. (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۰-۳۴۱) سازمان کارویژه‌های گوناگونی دارد که عبارتند از:

۱. ایجاد ارتباط دقیق و منطقی میان نیروهای انقلابی با یک‌دیگر، انقلابیون و توده مردم و این هر دو با رهبری؛

۲. حفظ و تأمین ارتباط‌ها و رساندن اخبار و اطلاعات؛

۳. پشتیبانی و حمایت مالی و تدارکاتی. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۸۰)

در جریان خیزش علویان طبرستان، شاهد شکل‌گیری سازمانی با ماهیت و کارکردی متفاوت نسبت به قبل هستیم. شیعیان علوی از سده سوم هجری به بعد، در طبرستان حضور یافتند و آیین تشیع را در این دیار گسترش دادند؛ از این رو، پیش از جنبش علویان، نوعی هویت مشترک در میان غالب مردم طبرستان به وجود آمده بود و این ویژگی در کنار اهداف مشترک اقتصادی، به ثمر نشستن حرکت انقلابی علویان طبرستان را ممکن می‌ساخت. با قدرت‌گیری این گروه، حاکمان سنی هوادار خلافت عباسی آنان را خطر بزرگی در نظر گرفتند. در چنین وضعیتی، ائتلاف علویان با حاکمان محلی می‌توانست بر قدرت آنان بیفزاید. احساس خطر علویان و نیاز آنان به اتحاد با گروه مدعی دیگر (حاکمان بومی)، باعث گردید تا نوعی هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش میان افراد دو گروه ایجاد شود و آنان ضمن آگاهی کامل از منافع سازمان، با نیروی متخصصم مقابله کنند. «این فرآیند کم‌کم اندیشه و خواسته‌های این دو گروه را به هم پیوند زد و گرایش شیعی به منزله عامل وحدت آن‌ها در برابر جناح حاکم سنی، نقش کارسازی ایفا کرد و به عنوان نمادی

برای تعریف هویت جامعه طبرستان و تمایز آن با قلمرو خلافت تسنن تبدیل گردید.» (اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۶۱)

ناصر کبیر از جمله حاکمان علوی است که در سایه فعالیت‌ها و کنش‌گری‌های مذهبی او هم‌چون: ساخت کتابخانه، مسجد و مدرسه، تشیع در میان دیلمیان اهمیت و مقبولیت یافت. (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۴، ص ۶) دو فرزند او (ابوالحسن علی‌الادیب و احمد بن ناصر) نیز راه پدر را ادامه دادند. (ابن‌عنبه، ۱۳۸۰ق، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۹۷) ناصر کبیر به مدت سه سال بر طبرستان و گیلان حکومت راند و در این مدت، آمل را برای پایتخت خود برگزید (موسوی‌نژاد و موسوی‌تنیانی، ۱۳۹۴، ص ۶۸-۶۹) و در این مدت، سازمان‌دهی شیعیان را برعهده گرفت. او با ایجاد ارتباط دقیق و منطقی میان نیروهای انقلابی شیعه (زیدیه، امامیه و ...) و پشتیبانی مالی و تدارکاتی از آنان، بسترهای لازم را برای شکل‌گیری یک هویت نسبی یکپارچه فراهم آورد و به تأسیس حکومتی اقدام کرد که از ۳۰۱ تا ۳۰۴ قمری، بر بخش‌های زیادی از طبرستان تسلط داشت. قوام‌الدین مرعشی نیز با راه‌اندازی سلسله مرعشی در سال ۷۶۰ قمری، زمینه‌های لازم را برای حضور دوباره علمای شیعه در امور سیاسی و اجتماعی فراهم کرد؛ زیرا او باور داشت که علما دو نقش مهم را در جامعه برعهده دارند و موظف به انجام دادن آن هستند:

۱. گسترش شریعت و ترویج مبانی اعتقادی؛

۲. دعوت مردم به کوشش برای برقراری عدالت اجتماعی و احیای نظام سیاسی

مطلوب. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۳)

تحقق این دو هدف، نیازمند اعضای آگاه و متعهد بود که در جامعه آن زمان طبرستان، عالمان شیعی از دو شاخصه یادشده برخوردار بودند و جایگاه اجتماعی مناسبی میان عامه مردم داشتند. در نتیجه، قوام‌الدین با پشتیبانی مالی و تدارکاتی از آنان، حضور تشیع در طبرستان را تثبیت کرد. در نگاهی کلی، شناسایی هویت مشترک در جنبش علویان طبرستان که به شکل‌گیری یک‌پارچه سازمان انجامید، حلقه دوگانه «تشیع و عدالت‌خواهی» است.

ج) بسیج منابع

بسیج شامل منابع تحت کنترل یا در حال انباشت یک مدعی است (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲) و به فرآیندی گفته می‌شود که به واسطه آن، گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد، به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند. (تیلی، ۱۹۸۴م، ص ۲۶) این فرآیند به سه شکل انجام می‌شود:

الف) بسیج تدافعی که تهدید از خارج، اعضای گروه را ترغیب می‌کند تا منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند.

ب) بسیج تهاجمی که سازمان در برابر فرصت‌های ایجادشده به گردآوری منابع می‌پردازد تا به منافع جدیدی دست یابد.

ج) بسیج تدارکاتی که سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده، به انباشت و ذخیره‌سازی منافع می‌پردازد. (هانت، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳؛ اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷)

منابعی که بسیج می‌شوند، سه نوع هستند:

۱. اجبارآمیز که سلاح، نیروی مسلح و فناوری‌های کنترل‌کننده از آن جمله‌اند؛

۲. فایده‌مند که کالا، خدمات اطلاع‌رسانی و پول را شامل می‌شود؛

۳. هنجاری که مجموعه‌ای از تکالیف و وفاداری‌ها را دربرمی‌گیرد و منظور از آن،

تعهدات اعضایی از یک گروه در قبال اعضای دیگر است. (تیلور، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴)

نگاهی به جنبش علویان طبرستان، نشان می‌دهد که ناصر کبیر در زمان تسلط بر طبرستان و گیلان (۳۰۱-۳۰۴ ق)، از منابع مختلفی از جمله ظرفیت‌های اعتقادی و فرهنگی برای تقویت قدرت خود استفاده می‌کرد. او که در زمینه فقه به شیعه امامی گرایش داشت، با استفاده از آرای فقهای این مذهب، کتاب‌های مختلفی تألیف کرد و به نقد دیدگاه‌های مخالفان عقیدتی خود پرداخت. (رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۸۴-۸۵) ناصر کبیر برای گسترش باورهای خود، مسجد و کتابخانه در روستاها ساخت (ابن‌اثیر، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۸۱-۸۲) تا پایگاه‌های مهمی برای فعالیت‌های فرهنگی خود ایجاد کند. این کنش‌گری‌های فرهنگی وی،

باعث شده بود تا عده زیادی از اهل سنت طبرستان، از حالت انفعالی و ایستا درآیند و به کنش‌گرانی پویا در زندگی روزمره خود بدل شوند. به عبارت دیگر، به واسطه اقدامات ناصر کبیر در بسیج منابع فرهنگی، مردم طبرستان در این سه سال، مذهب تشیع را به منزله بخشی از هویت مشترک و یکی از مؤلفه‌های زندگی خود پذیرفتند. فرآیند بسیج منابع در این بازه زمانی، به شکل تدارکاتی بوده است؛ یعنی حاکمیت با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده، به انباشت و ذخیره‌سازی منابع انسانی اقدام کرده بود. البته ناصر کبیر در ابتدای حکومت، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی شهریان و روستاییان، ائتلاف سامانی - اسپهدانی را شکست داد و دشمنان را از طبرستان بیرون راند او در این بازه زمانی، با بسیج نیروی انسانی (اجبارآمیز)، توازن قدرت را در طبرستان برهم زد و به سود علویان برگرداند.

فرآیند بسیج منابع انسانی و فرهنگی در این دوره، از نوع تهاجمی بوده است؛ زیرا علویان با فرصت‌های ایجادشده، به گردآوری منابع پرداختند تا به منافع جدیدی دست یابند که با قدرت و سیاست گره خورده بود. مهم‌ترین منابع انسانی ناصر کبیر عبارت بودند از: زمین‌داران، خرده‌مالکان، دهقان‌ها، توده‌های فقیر و ستم‌دیده شهری، پیشه‌وران و نظامیان که از آنان به عنوان منبع اصلی بسیج یا یکی از ملزومات آن می‌توان یاد کرد.

۲. عناصر برون‌گروهی جنبش علویان

الف) قدرت

میزان چیرگی منافع یک حزب بر دیگر احزابی که با آن‌ها تعارض و مناقشه دارد، قدرت نامیده می‌شود. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱) تیلی باور دارد کنش‌های جمعی، برآیند کشمکش‌های هستند که پیرامون یک تضاد اجتماعی به وجود می‌آیند. (قجری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶) با تکیه بر عنصر قدرت، به میزان بازده و شدت کنش گروه‌های مدعی می‌توان پی برد.

درباره جنبش علویان، با توجه به این‌که آن‌ها از حمایت اکثریت توده برخوردار بودند و در کنش‌های گروهی خود، با حاکمان محلی بانفوذ ائتلاف کرده بودند و به لحاظ ایدئولوژیک و سازمانی، جایگاه مهمی در طبرستان داشتند، دامنه جنبش آنان را می‌توان گسترده دانست. درباره بازده کنش جنبش علویان باید گفت که به دلیل اوضاع ویژه جغرافیایی طبرستان، سادات علوی در این ناحیه با فراغ بال بیش‌تری به فعالیت‌های اعتقادی می‌پرداختند تا با این کنش‌گری‌ها، مردم طبرستان را به تدریج با مذهب تشیع آشنا کنند. در تحقق این هدف، گروه‌های چالش‌گر (سادات علوی)، حاکمان محلی هم‌چون: اسپهبدان باوندی و مرعشیان تأثیرگذار بوده‌اند؛ به طوری که تا سده نهم قمری، قریب به اتفاق اهالی طبرستان به تشیع گراییدند. بنابراین، این ناحیه را در شمار معدود سرزمین‌هایی می‌توان به حساب آورد که ساکنان آن، پیش از رسمی شدن تشیع در ایران دوره صفوی، به این آیین گراییدند. این امکان در سرزمین‌های مجاور مانند خراسان و ... فراهم نبود؛ زیرا قدرت‌های سنی‌مذهب منطقه، به سادگی آنان را شناسایی، تعقیب و سرکوب می‌کردند. علویان در برهه‌ای از تاریخ خود، به نیشابور حمله برده و برای مدت کوتاهی، آن‌جا را تصرف کرده بودند، اما به دلیل اختلافات ایدئولوژیک، قادر به حفظ قدرت خود نشدند و پس از شکست از طاهریان، به سمت طبرستان عقب‌نشینی کردند.

همان‌طور که گفته شد، یکی از دلایل اصلی قدرت‌گیری سادات علوی در طبرستان و رسیدن به حکومت، هم‌صدایی حاکمان محلی از جمله باوندیان با آن‌ها بوده است. چه در دوره اول فرمان‌روایی آل‌باوند و چه در دوره دوم، شاهد حمایت‌های آنان از علویان هستیم. در دوره اول، قارن بن شهریار و رستم بن شروین آشکارا به تشیع‌گرایی داشتند و در سکه‌های ضرب‌شده آنان، عبارات «محمد رسول‌الله و علی ولی‌الله» برجسته بود. (اعظمی‌سنگسری، ۱۳۵۳، ص ۵۱) در دوره دوم، ناتوانی حکومت مرکزی سلجوقی برای مبارزه با قدرت‌گیری باوندیان، موجب شد تا شاهان این سلسله، حمایت بیش‌تری از سادات علوی انجام دهند. از جمله نشانه‌های گرایش باوندیان در این دوره به اهل تشیع، مرآده با

عالمان شیعی (معلمی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰؛ افندی اصفهانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۳۳)، توجه به بقاع مقدس شیعیان و ضرب سکه به نام امام زمان (عج) بوده است. (شاهمرادی، ۱۳۹۵، ص ۵۶) بنابراین، ائتلافی میان دو قدرت سیاسی و نظامی اصلی حاکم بر طبرستان شکل گرفت. در یک سوی ائتلاف، حاکمان بومی (باوندی و ...) و در سوی دیگر، علویان قرار داشتند که به واسطه تضادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی با حاکمان سنی عرب، به یکدیگر نزدیک شده بودند.

ب) سرکوب / تسهیل

از دید تیلی، جنبش‌های اجتماعی مبتنی بر بسیج منابع گروهی، هنگامی پدید می‌آیند که مردم هیچ‌گونه وسایل نهادینه‌شده‌ای برای بیان خواسته‌های خود ندارند و یا دولت، نیازهای آن‌ها را سرکوب می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۶۷۲؛ نش، ۱۳۸۰، ص ۶۵) سرکوب ابزاری است که گروه دیگر به کار می‌برد تا هزینه‌های کنش جمعی گروه چالش‌گر افزایش یابد. هم‌چنین کنشی که هزینه کنش گروهی اعضای هر سازمان را کاهش دهد، گونه‌ای از تسهیل است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹-۱۵۰)

نگاهی به جنبش علویان، نشان می‌دهد که نهادهای مخالف آن‌ها در برهه‌های مختلف تاریخ، آنان را سرکوب کرده‌اند و این جنبش برای رسیدن به قدرت، هزینه‌های زیادی را تاب آورده‌اند. یکی از دغدغه‌های سیاسی علویان در طبرستان، مبارزه با حکومت‌های نیمه‌مستقل طاهری، صفاری و سامانی بود. حاکمان این سه دودمان که بر مذهب اهل تسنن و از تأیید خلیفه عباسی برخوردار بودند، برای جلب رضایت خلیفه و دفع خطر علویان، به طبرستان لشکرکشی می‌کردند و به سرکوب علویان می‌پرداختند؛ زیرا علویان از دید سیاسی - مذهبی در جبهه مقابل خلیفه قرار داشتند. این موضوع باعث شده بود تا این سه دودمان، هیچ‌گاه رابطه دوستانه‌ای با علویان نداشته باشند. رویکرد تقابلی این دو گروه، همیشگی بود و در نبردها، گاهی علویان و گاهی نیروهای مقابل به پیروزی

می‌رسیدند؛ البته علویان توانسته بودند با شکست طاهریان و صفاریان، سلسله مطبوع خود را تأسیس و آن را تقویت کنند، اما با روی کار آمدن سامانیان از یک سو و کاهش قدرت علویان از سوی دیگر، امیر اسماعیل سامانی به طبرستان حمله برد و بر این منطقه چیره شد و محمد بن زید را به قتل رساند. این حادثه در سال ۲۸۷ هجری به وقوع پیوست. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲-۱۷۰) چیرگی سامانیان بر طبرستان به مدت سیزده سال به طول انجامید تا این‌که ناصر کبیر به آن پایان داد و حکومت علویان را دوباره احیا کرد. او در جمادی‌الآخر سال ۳۰۱ قمری، حکمرانان جستانی و سامانی را با شکستی در نزدیکی نوروز، از این منطقه براند و دوباره حکومت زیدی را مستقر کرد. (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۹) مسعودی درباره این قیام و شخصیت ناصر کبیر می‌گوید:

به سال ۳۰۱ قمری، اطروش حسن بن علی در ولایت طبرستان و دیلم قیام کرد و سیاه‌پوشان را از آن‌جا برون راند. وی مردی فهیم و عالم بود و از عقاید و مذاهب مطلع بود. (مسعودی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۹)

بنابراین، حکومت‌های نیمه‌مستقلی که خلیفه در ایران شکل داده بود، همواره سیاست سرکوب را در قبال علویان در پیش می‌گرفتند و از این ابزار، برای افزایش هزینه‌های کنش جمعی علویان استفاده می‌کردند تا مانع رشد قیام آنان در خارج از مرزهای طبرستان شوند. گذشته از انگیزه‌های مذهبی، عامل سیاست و قدرت در رویکرد تقابلی سامانیان با علویان تأثیرگذار بود. امرای سامانی که خود را مسلط بر ایران می‌دانستند، حاضر به تحمل رقیب دیگری نبودند؛ به ویژه این‌که علویان گاهی به مرزهای خراسان از جمله نیشابور حمله می‌بردند و قدرت آل سامان را تهدید می‌کردند؛ در نتیجه، امیر اسماعیل در اقدامی پیش‌گیرانه و تلافی‌جویانه، حکومت علویان را سرکوب نمود و بیش از یک دهه به مرز فترت و فروپاشی رسانید.

ج) فرصت / تهدید

منظور از فرصت، موقعیت‌هایی است که در آن، امکان کنش جمعی، اعمال قدرت و تحقق اهداف گروه چالش‌گر افزایش می‌یابد. تهدید نیز در نقطهٔ مقابل فرصت قرار دارد. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷) هم‌زمان با گسترش ستم و فشار اعراب سنی از قرن دوم هجری بر مردم طبرستان، رقبای آن‌ها یعنی علویان به این منطقه راه یافتند و با انتساب خود به پیامبر اسلام ﷺ، ضمن ارائهٔ تصویری تازه از این دین، نظر غالب مردم طبرستان را به آیین تشیع جلب کردند. (اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۳) نقش علمای شیعه در گسترش این باور، برجسته و محوری است. آن‌ها با تبلیغات اعتقادی و مذهبی خود، فرصت‌های لازم را برای ایجاد هویت مشترک و ترغیب اعضای گروه جدید (تشیع) برای مقابله با قدرت سنی حاکم فراهم کردند. در تواریخ مختلف، گزارش‌هایی دربارهٔ ارتباط علمای شیعه در طبرستان با علمای سایر مناطق ایران ذکر شده است. مکاتبات شیخ مفید با یکی از سادات امامیه در ساری و نگارش کتاب المسائل السرویه، اقدام شیخ مفید برای تألیف کتاب المسائل المازندرانیه (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۷۵) و نیز پاسخ‌گویی سید شریف مرتضی به سؤالات شیعیان در رساله‌ای با عنوان المسائل الطبریه (مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۳۳)، نشان می‌دهد که گرایش‌های شیعی در این دیار اوج گرفته بود؛ بنابراین، به واسطهٔ تلاش‌های فرهنگی علمای شیعه، امکان کنش‌گری جمعی، اعمال قدرت و تحقق اهداف گروه چالش‌گر افزایش یافت. حاکمان علوی نیز از این فرصت به خوبی استفاده کردند تا نیرویی اثرگذار از مردم را برای مقابله با قدرت حاکم گرد آورند و آن را به تهدیدی بالقوه برای رقیب سنی (طاهری، صفاری و سامانی) و عرب (خلیفهٔ عباسی) خود بدل کنند.

بهره‌گیری از نیروی انسانی بومی طبرستان، یکی دیگر از فرصت‌های مهم برای علویان بوده است. سادات علوی، مخالف خلفای عباسی بودند و آن‌ها را نیروی متضاد منافع خود می‌دانستند. این موضوع برای جریان‌های سیاسی بومی مخالف خلافت عباسی، فرصتی مناسب بود تا با گزینش رهبران محبوب در میان مردم، به اهداف خود دست یابند. به عبارت دیگر، حضور سران جریان‌های بومی مخالف حکومت عباسی در کنار

شخصیت‌های نخبه‌ سادات علوی، به مبارزات این گروه‌های متکثر، اما دارای هدف مشترک، مشروعیت می‌بخشید و همراهی مردم عادی را برای حمایت از جنبش‌های اعتراضی تضمین می‌کرد. حضور گسترده علویان در طبرستان و محبوبیت روزافزون آنان در میان مردم منطقه، باعث شده بود این موقعیت و ظرفیت برای کنش‌گران سیاسی وقت ایجاد شود تا امکان بسیج کنش‌گران جمعی، اعمال قدرت و تحقق اهداف گروه‌های چالش‌گر افزایش یابد. حضور علویان در طبرستان، به مثابه فرصتی بی‌بدیل بود که می‌توانست مبانی قدرت غالب (عباسیان و کارگزاران آنان) را در این ناحیه به چالش وادارد. تضاد مذهبی میان عباسیان و علویان، این امکان را به حاکمان محلی طبرستان می‌داد تا با تکیه بر این دوگانگی اعتقادی، سیاست‌های اعتراضی و تحول‌خواهانه خود را پیش گیرند. البته قدرت‌گیری علویان در طبرستان، به گونه‌ای پیش رفت که آن‌ها کنش‌های اعتقادی خود را با اقدامات سیاسی درآمیختند و افزون بر قدرت دینی، در سال ۲۵۰ قمری به قدرت سیاسی هم رسیدند.

یکی از منابع تهدید تشیع در طبرستان، پس از فروپاشی دولت اسپهبدان در سال ۶۰۶ قمری روی داد. در این دوره، خوارزمشاهیان و مغولان به این منطقه یورش آوردند و اوضاع سیاسی - اقتصادی با تنش‌های بسیاری مواجه گردید. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸) در چنین وضعیتی، کینخواریان که از باوندیان بودند، بر سر کار آمدند و ثبات نسبی بر طبرستان حاکم شد. از آن‌جا که مذهب حاکمان این دودمان سنی بود، روند حذف این مذهب در طبرستان متوقف گردید. البته سیاست مذهبی آن‌ها مبتنی بر تسامح و رواداری دینی بود و سخت‌گیری چندانی نسبت به شیعیان وجود نداشت. با این حال، نفوذ سیاسی این گروه مانند قبل نبود و امکان کنش‌گری جمعی و تحقق یک هدف مشترک که علویان و شیعیان طبرستان در سر داشتند، امکان‌پذیر نبود. تداوم نفوذ سنی‌مذهب‌ها در شهرهای آمل و رویان و حضور شیعیان در اطراف ساری، نشانه‌ای بارز برای سیاست رواداری دینی کینخواریان است. (اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۹۴)

د) کنش جمعی

کنش جمعی، به اقدام مشترک اعضای هر گروه مدعی برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشترک گفته می‌شود و تابعی از منافع مشترک، میزان انسجام و سازمان‌یافتگی گروه، احساس هویت هم‌سان و وفاداری اعضای گروه به هم‌دیگر است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸) هویت مشترک میان اعضای هر گروه، باعث می‌شود «مای همه‌شمول» پدیدار شود و برداشت مطلوب و مثبتی از خودی‌ها و مخالفت فعالی از غیرخودی‌ها به وجود آید و با راه‌اندازی شبکه‌های ارتباطی غیررسمی و تعاملات درون‌گروهی، مشکلات برآمده از سرکوب شدید، برطرف شود و اعضای گروه برای رویارویی با هزینه‌ها و تهدیدهای احتمالی آماده شوند. (دلپورتا و دیانی، ۲۰۰۶م، ص ۱۳۱-۱۳۴) تیلی باور دارد که کنش‌های جمعی اعتراضی از سه نوع هستند:

۱. رقابتی (Competitive): این کنش زمانی انجام می‌شود که منابع مورد ادعای یک گروه، هم‌زمان مورد ادعای گروه‌های دیگر باشد.
۲. واکنشی (Reactive): این کنش در برابر اقداماتی انجام می‌گیرد که از دید یک گروه، به منزله پایمال شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود.
۳. نوحواهی (Proactive): یک گروه ادعاهایی را مطرح می‌کند که پیش از این مطرح نبوده است. (تیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲-۱۶۵)

تیلی دو اصل را در گزینش نوع کنش گروهی به صورت سؤال طرح می‌کند:

۱. چه شکل‌هایی از کنش در دسترس هستند؟
۲. مناسبت و کارآمدی آن ابزاری که گروه‌ها باید به آن توجه کنند، چیست؟ (تیلی،

۱۹۸۴م، ص ۱۵۳)

درباره فراگیری کنش جمعی از یک مسأله تا تغییر در ساختارهای موجود، باید گفت که وقوع این امر ناشی از چرخه اعتراض است. (دلپورتا و دیانی، ۲۰۰۶م، ص ۱۸۸) این چرخه که در نهایت به اصلاح، سرکوب یا انقلاب می‌انجامد، چند ویژگی برجسته دارد که عبارت است از:

گسترش شتاب‌زده کنش جمعی به بخش‌های مختلف جامعه؛

گسترش خلاقیت در گونه‌های مبارزه؛

پیدایش چارچوب‌های جدید کنش جمعی؛

آمیختگی مشارکت سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته و پیوستگی تعامل‌های

شدت‌گرفته. (ترو، ۱۹۹۴م، ص ۱۵۳)

قیام علویان در سال ۲۵۰ قمری و در زمان حاکمان طاهری روی داد. ظلم و بی‌عدالتی طاهریان در چالوس رویان، باعث شد تا گروهی از علویان به واسطه هم‌کاری با عبدالله بن وندا امید، در برابر ظلم حاکم طاهری در طبرستان (محمد بن اوس) اعتراض کنند. بن‌وندا امید با این‌که شیعه نبود، ارتباط خوب و حسنه‌ای با شیعیان زیدی داشت و از داعی کبیر دعوت کرده بود تا به قیام علیه طاهریان بپیوندد. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰؛ آملی، ۱۳۴۸، ص ۷۶-۷۷) بنابراین، چرخه اعتراض در طبرستان با حمایت‌های عبدالله‌پور و ندا امید شکل گرفت و مساله ظلم‌ستیزی، به تغییر در ساختارهای سیاسی موجود در این منطقه انجامید. چرخه اعتراض علویان و هم‌پیمانان آن‌ها که نمودی از کنش جمعی است، به انقلابی بنیادی در عرصه سیاست انجامید و به سرعت در میان طبقات مختلف جامعه گسترش یافت. در این سلسله مبارزات، مشارکت‌ها به دو صورت سازمان‌یافته و غیرسازمان‌یافته انجام گرفت و با ایجاد پیوستگی در تعامل‌های شدت‌گرفته، انقلابی که حاصل کنش جمعی گروه‌های متنوع چالش‌گر بود، به ثمر رسید و طاهریان از طبرستان اخراج و رانده شدند. کیفیت و نوع کنش جمعی علویان را باید از نوع رقابتی و نوخواهانه دانست. رقابتی از این بابت که کنش آن‌ها در مقابله با اقداماتی پدید آمد که منتج به تزییع و پایمال شدن حقوق اساسی آن‌ها توسط گروه غالب و حاکم شده بود. از سوی دیگر، این قیام جنبه‌ای نوخواهانه داشت؛ زیرا علویان دیگر حاضر به تحمل ساختار سیاسی موجود نبودند و در جریان چرخه اعتراض، ادعاهای جدیدی مطرح کردند که قبل از این، مورد نظر نبود؛ بنابراین، آن‌ها تئوری انقلاب را در سر می‌پروراندند و اعتقادی به اصلاح ساختار

فعلی نداشتند. به اعتقاد علویان، منابع آنان را گروه رقیب به تاراج برده بودند و هیچ سهمی از آن نداشتند. از این رو، کنش جمعی ایشان مبتنی بر تحول‌خواهی بنیادی بوده است.

همان‌طور که گفته شد، نارضایتی مردم و نخبگان سیاسی از شیوهٔ کشورداری طاهریان، آن‌ها را برای ایجاد تغییرات اساسی ترغیب کرد. علویان طبرستان افزون بر مسائل سیاسی، از دید اعتقادی هم با طاهریان (به عنوان نمایندگان خلافت سنی مذهب عباسی) در تضاد بودند. با اوج گرفتن نارضایتی مردم رویان (چالوس و کجور)، آن‌ها از سادات علوی مقیم در کجور و ری یاری طلبیدند. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۹؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲۸) هویت مشترکی که میان باورمندان به علویان شکل گرفته بود، از «من»‌های مختلف (گروه‌های سیاسی جدا و مجزا از هم)، یک «ما»ی واحد به وجود آورد و سردمداران قیام با برجسته کردن این وحدت، زمینه‌های لازم را برای اتحاد سیاسی فراهم کردند و به تشریح مرزبندی دقیقی میان خودی‌ها (سادات علوی، مردم بومی طبرستان و حاکمان بومی) و بیگانگان (ائتلاف عباسی - طاهری) پرداختند. سیدمحمد نامی، حسن بن زید را به عنوان رهبر کنش جمعی مردم برگزید. (آملی، ۱۳۴۸، ص ۸۷-۸۹) و با قبول دعوت مردم، قدرت را در کجور در دست گرفت و در این دیار خطبه خواند و آغاز قیام را اعلام نمود. به گفته ابن اسفندیار، مردم معترض به طاهریان، به همراه نامه‌ای از محمد بن ابراهیم، به سوی حسن بن زید رفتند و او را به طبرستان دعوت کردند. وی دعوت را پذیرفت و هنگام ورود به طبرستان، با استقبال همهٔ مردم آن ناحیه - از چالوس تا رویان و مازندران - مواجه گردید و «جمله مردم طبرستان [رهبری وی را] قبول کردند». (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۲۳۱) به این ترتیب، زید که از حمایت مردم آسوده‌خاطر شده بود، با راه‌اندازی شبکه‌های ارتباطی غیررسمی و تعاملات درون‌گروهی، در برابر پیامدهای ناشی از سرکوب شدید، ایستادگی نشان داد و با ترسیم دقیق وضعیت، اعضای گروه را برای تاب‌آوری هزینه‌ها و تهدیدهای احتمالی ترغیب نمود و در نهایت، چرخهٔ اعتراض را در طبرستان به ثمر نشان داد.

جدول ۱. تحلیل جنبش علویان طبرستان با رویکرد به مبانی نظریه چارلز تیلی

ردیف	متغیر	جنبش علویان طبرستان
۱	چالش‌گران	علویان، حاکمان محلی و شیعی طبرستان، توده مردم
۲	منافع	حفظ بقا / رسیدن به قدرت سیاسی / گسترش مبانی شیعی
۳	سازمان	ایجاد ساختار حکومتی منسجم / ایجاد هویت مشترک دینی / ایجاد سازمانی با مشخصات فرهنگی و نظامی
۴	بسیج منابع	فرآیند بسیج منابع (تهاجمی و تدارکاتی) / نوع بسیج منابع (اجبارآمیز و هنجاری)
۵	سرکوب / تسهیل	سرکوب توسط طاهریان و سامانیان
۶	قدرت	ایجاد تقابل دوگانه میان خلافت سنی و حکومت شیعی
۷	فرصت / تهدید	فرصت‌ها (محبوبیت سادات علوی، توان نظامی حاکمان محلی، قدرت بالقوه توده) / تهدیدها (حضور طاهریان و سامانیان در طبرستان، روی کارآمدن کینخواریان سنی‌مذهب در طبرستان)
۸	کنش جمعی	نوع کنش (رقابتی و نوخواهی) / شکل‌گیری کنش بر مبنای ایجاد تقابل خودی-بیگانه

نتیجه

علویان طبرستان در طول ۱۱۵ سال بر این ناحیه حکومت راندند و رویدادهای مهمی در این دوران، میان آن‌ها و سایر گروه‌های رقیب به وقوع پیوست. بررسی ابعاد گوناگون این جنبش بر اساس مبانی نظریه «کنش جمعی» تیلی، نشان می‌دهد که این گروه در شمار مدعیانی بودند که با استفاده از متغیرهای پنج‌گانه تیلی (منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی و فرصت)، در دوره‌ای که هم‌زمان با چیرگی حکومت عباسی بوده است، منابع گروهی خود را برای نفوذ در ارکان حکومت وقت و پیشبرد هدف‌های خود به کار گرفتند و در نهایت،

با ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی - اجتماعی این منطقه، قدرت را به دست آوردند. علویان با راه‌اندازی کارزار مبارزاتی فراگیر، دو هدف کوتاه‌مدت (جذب توده‌ها و نخبگان سیاسی جامعه) و بلندمدت (تشکیل دولت و حکومت شیعی مستقل و خودمختار) را در نظر داشتند. حاکمان علوی برای تحقق این هدف، سازمانی منسجم راه‌اندازی کردند که بر سلسله‌مراتبی مبتنی بود و حاکم در رأس آن، قرار داشت. منافع اصلی سادات علوی از آمدن به طبرستان و راه‌اندازی جنبش اعتراضی در سه محور حفظ بقا، رسیدن به قدرت سیاسی و گسترش مبانی تشیع؛ بنابراین، آمیزه‌ای از انگیزه‌های شخصی و گروهی و به عبارت دیگر، منافع سیاسی و ایدئولوژیک در تأسیس سلسله‌ی علویان مؤثر بوده است. آن‌ها با تکیه بر مخالفت‌های سیاسی و اعتقادی خود با گروه غالب یعنی طاهریان که کارگزاران خلیفه‌ی عباسی بودند، هیجانات و توجهات مردم بومی منطقه و نیز حاکمان ناراضی وقت را جلب کردند و پس از کوششی فرهنگی به مدت چند دهه، هویت مشترک دینی به وجود آوردند و در نهایت، سازمانی با ساختار نظامی و مذهبی تأسیس نمودند. بدین ترتیب، شبکه‌ای منسجم از روابط وحدت‌بخش میان اعضای گروه‌های مدعی و چالش‌گر شکل گرفت که گروه رقیب را با چالش مواجه کرد.

رهبران شیعیان علوی به صورت تهاجمی و تدارکاتی و با ماهیتی اجبارآمیز و هنجاری، اقدام به بسیج منافع نمودند. درباره تهاجمی بودن بسیج منافع، به این نکته می‌توان اشاره کرد که رهبران جنبش علویان طبرستان در برابر فرصت‌های ایجادشده، به گردآوری منابع پرداختند تا به منافع جدیدی دست یابند. این منابع شامل ابزارهای جنگی و نیروی انسانی بوده است. هم‌چنین در برهه‌هایی از تاریخ، این جنبش که ثبات نسبی بر قلمرو آنان حاکم بوده، بسیج منافع به صورت انباشت و ذخیره‌سازی صورت گرفته است که در این نوع بسیج، آینده‌نگری حاکمان به خوبی نمود دارد. قدرت در این جنبش، دو سویه‌ی اصلی دارد: خلافت سنی عباسی در یک‌سو و حکومت شیعی علوی در سوی دیگر به رقابت با هم پرداخته و موازین دیگری را به چالش کشیده‌اند؛ بنابراین، مفهوم قدرت در این جنبش،

معنایی تقابلی پیدا می‌کند. کارگزاران خلیفه در طبرستان (طاهریان، صفاریان و سامانیان)، همواره سیاست سرکوب را در برابر علویان پی گرفتند و حتی امیر سامانی بیش از ده سال، حکومت علویان را با اضمحلال کامل مواجه ساخت. در جریان این جنبش، فرصت‌هایی ایجاد شده بود که حاکمان علوی با در نظر گرفتن آن فرصت‌ها، حکومت خود را شکل دادند؛ از جمله: ایجاد هویت مشترک دینی با مردم منطقه، و بهره‌برداری از قدرت نظامی حاکمان بومی و مردم عادی. عواملی که سادات علوی را تهدید می‌کرد، در یک نگاه کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. درون قلمرو مانند کینخواریان؛ ۲. بیرون قلمرو مانند طاهریان، صفاریان (کم‌تر) و سامانیان (بیش‌تر). هم‌چنین کنش جمعی علویان، ماهیتی رقابتی و نوخواهانه داشت و بر پایهٔ تقابل دوگانه خودی / بیگانه شکل گرفته بود.

فهرست منابع

۱. آملی، اولیاءالله، تاریخ رویان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه عباس خلیلی، تهران: علمی، ۱۳۶۸.
۳. ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران: کلاله خاور، ۱۳۶۶.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۵. ابن عنبه، احمد، عمدهالمطالب، به تحقیق محمدحسن آل طالقانی، نجف: مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ق.
۶. اسکاچپول، تدا، بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: مرکز، ۱۳۸۸.
۷. اسماعیلی، یوسف، سیری در تاریخ تشیع مازندران (از آغاز تا پایان قرن هشتم هجری)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۸. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۹. اعظمی‌سنگسری، چراغ‌علی، «گاوبارگان پادوسبانی، بازماندگان ساسانیان در رویان از ۲۲ تا ۱۰۰۶ هجری»، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۵۳، ۱۳۵۳.
۱۰. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض‌العلماء، به کوشش سیدمحمود مرعشی، به تحقیق سیداحمد حسینی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. بهنیاfer، احمدرضا، «نقش شرایط داخلی ایران در شکل‌گیری حکومت علویان طبرستان»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال ۷، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
۱۲. پناهی، محمدحسین، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیندها و پیامدها، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۱۳. ترکمنی‌آذر، پروین، «مذهب دیلمان در دوره اسلامی»، فصل‌نامه فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۵۶، ۱۳۸۴.
۱۴. تیلور، استن، انقلاب‌ها و علوم اجتماعی، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸۸.
۱۵. تیلی، چارلز، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۶. رحمتی، محمدکاظم، زیدیه در ایران، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.
۱۷. رضوی، ابوالفضل و سعیده آذر، «عوامل اقتدار و مشروعیت حکومت علویان طبرستان»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۳۹۵.
۱۸. شاهمرادی، مسعود، «تشیع امامی در دوران باوندیان اسپهبدی طبرستان»، مجله رهیافت تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.

۱۹. شورمیچ، محمد و رمضان رضایی، «چگونگی استقرار و تثبیت تشیع امامی در طبرستان از قرن سوم تا پایان هشتم هجری»، *مجله ادیان و عرفان*، سال ۵۱، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۲۰. شورمیچ، محمد و هم‌کاران، «نقش و عملکرد ناصر کبیر در نشر اندیشه شیعی در طبرستان»، *مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال ۸، شماره ۲۶، ۱۳۹۶.
۲۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، *المسائل السرویه*، تحقیق صائب عبدالحمید، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۲۲. قجری، حسینعلی، *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب*، تهران: پیام نور، ۱۳۹۳.
۲۳. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ۱۳۸۶.
۲۴. مجد، مصطفی، *ظهور و سقوط علویان طبرستان (تاریخ سیاسی - اجتماعی علویان طبرستان ۲۵۰-۳۱۶ق)*، تهران: رسانش، ۱۳۸۶.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا، *در آمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی^(ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۶. مرتضی، علی بن حسین، *رسائل المرتضی*، به کوشش سیداحمد حسینی و سیدمهدی رجایی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۲۷. مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، *تاریخ طبرستان*، رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۶۸.
۲۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲۹. معلمی، مصطفی، «روابط خاندان باو با سلاجقه و قدرت سیاسی تشیع امامیه در سده ۵ و ۶»، *مجله تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، سال ۵، شماره ۳، ۱۳۸۷.
۳۰. موسوی‌نژاد، سیدعلی و سیداکبر موسوی تینیانی، «بررسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره مذهب ناصر کبیر و خاندان او»، *مجله تاریخ اسلام باقرالعلوم*، سال ۱۶، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۳۱. نش، کیت، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی ذلفروز، تهران: کویر، ۱۳۸۰.
۳۲. هانت، لین، *کنش جمعی چارلز تیلی*، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: مرکز، ۱۳۸۸.
۳۳. یوسفی، صفر، «سیر تحول دین و مذهب در مازندران»، *مجله فقه و تاریخ تمدن*، سال ۴، ش ۱۶، ۱۳۸۷.
34. Della Porta, Donatella and Diani, Mario, **social movement: in introduction**, 2nd edition, UK, Blackwell publishers, 2006.
35. Tarrow, Sidney, **Power in Movement, Social-Movement, Collective Action and Politics**, Cambridge, Cambridge University Press, 1994.
36. Tilly, Charles, **social movements and national-politics**, in Wright, C. and Harding, S (eds), USA, university Michigan Press, 1984.